



افلاس تجارتي در نظام حقوقي افغانستان

پوهنمل خليل احمد احدی

پوهنچی حقوق وعلوم سیاسی، پوهنتون: بدخشان.

khalilahmadahadi@gmail.com

۰۰۰۹-۰۰۰۶-۰۷۱۱-۰۰۶۴

نویسنده

نشان برقی

نشانه ارکاید

چکیده

به وضعیتی که تاجر یا شرکت تجارتي قدرت پرداخت دیون خود را نداشته باشد، افلاس تجارتي گویند. در کنار مفهوم تاجر، معاملات تجارتي و شرکت‌های تجارتي؛ بحث افلاس یکی از مباحث اصلي حقوق تجارتي را تشکیل داده و این تحقیق با هدف مطالعه‌ی افلاس در قوانین تجارتي افغانستان، نگاشته شده است. اطلاعات این تحقیق با رویکرد کتابخانه‌ای تهیه شده و با روش توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از این است که برای تحقق افلاس در نظام حقوقي افغانستان شرایط محتوایی و شکلی خاصی در نظر گرفته شده است. در نظام حقوقي افغانستان، افلاس به انواعی از قبیل افلاس عادی، افلاس به تقصیر بزرگ، افلاس به تقصیر و افلاس به تقلب تقسیم‌بندی شده است. برای افلاس عادی صرف ضمانت اجرای حقوقي پیش‌بینی شده است اما برای سایر افلاس‌ها علاوه بر ضمانت اجرای حقوقي، ضمانت‌اجراهای جزایی نیز مقرر شده است. این ضمانت‌اجراها شامل حبس و جریمه‌ی نقدی است که برای تاجران، متصدیان شرکت‌های تجارتي و سایر افرادی که در بروز افلاس دخالت دارند، با در نظر داشت شرایط مورد نظر، تطبیق خواهد شد. در اثر صدور حکم افلاس، تاجر از مداخله در اموال، دعاوی و سایر فعالیت‌های تجارتي خود ممنوع می‌شود. در نهایت متولی یا مدیر تصفیه، اموال و درایی تاجر را تصفیه نموده، مطالبات داینان را در پرتو قانون افلاس پرداخت می‌نماید. در نتیجه، نظام حقوقي افغانستان؛ رژیم حقوقي مدونی را جهت مدیریت افلاس سازماندهی نموده است که در پرتو آن، ضمن حمایت از حقوق داینان، وضعیت تاجران مفلس نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: افلاس، تاجر، تجارتي، نظام حقوقي افغانستان.

Commercial Insolvency in the Legal System of Afghanistan

Author
E-Mail
Orcid

Khalil Ahmad Ahadi

Lecturer at the Law Faculty of Badakshan University

khalilahmadahadi@gmail.com

Orcid ID: ۰۰۰۹-۰۰۰۶-۰۷۱۱-۵۰۶۴

Abstract

Commercial insolvency refers to the situation in which a merchant or a commercial entity lacks the ability to meet its financial obligations. Alongside the concepts of merchant, commercial transactions, and trading companies, the issue of insolvency constitutes a fundamental aspect of commercial law. The core issue lies in insolvency arising from financial and economic crises faced by merchants. If not managed effectively, such crises pose a risk to the rights of creditors and other individuals engaged in economic transactions with the merchant. Legal systems have established specific regulations to manage this process effectively. This research aims to explore insolvency in the commercial laws of Afghanistan. The information has been gathered through a library-based approach and analyzed using a descriptive-analytical method. The research findings indicate that specific substantive and procedural conditions have been considered for insolvency in the legal system of Afghanistan. Afghanistan's legal system classifies insolvency into various types, including ordinary insolvency, gross negligence insolvency, fault-based insolvency, and fraudulent insolvency. While legal enforcement guarantees are provided for ordinary insolvency, additional penal enforcement guarantees are stipulated for other types of insolvency. These guarantees encompass imprisonment and monetary fines, adjusted based on relevant conditions, for merchants, executives of trading companies, and other individuals involved in insolvency proceedings. Following the issuance of an insolvency order, the merchant is prohibited from interfering in their assets, lawsuits, and other commercial activities. Ultimately, the liquidator or administrator liquidates the assets and estate of the merchant and settles creditor claims in accordance with insolvency laws.

Keywords: Insolvency, Merchant, Trade, Legal System of Afghanistan.

مقدمه

افلاس یا ورشکستگی یکی از مصادیق بحران مالی و اقتصادی تاجران و شرکت‌های تجاری به شمار می‌رود. در این وضعیت، تاجران و مؤسسات تجاری به صورت عادی از پرداخت قرض‌های خود عاجز شده و در پروسه‌ی پرداخت قروض آنان، وقفه ایجاد می‌شود. افلاس تجاری از نظر اقتصادی و حقوقی دارای اثرهای خاصی است. این اثرها سبب شده است تا نسبت به مدیریت این بحران مالی تاجران، از نظر حقوقی چاره‌اندیشی شود. یکی از این راهکارهای مدیریتی نسبت به روند افلاس، وضع قوانین و مقررات ویژه‌ی افلاس تجاری است. نظام‌های حقوقی با وضع قوانین مرتبط افلاس تجاری، سازوکارهای را روی دست می‌گیرند که هم حقوق دینان و هم حقوق تاجران مفلس به صورت عادلانه مدنظر قرار داده شود. در نظام حقوقی افغانستان نیز تلاش شده است تا قوانین ویژه‌ای در حوزه‌ی افلاس تجاری وضع و تصویب شود. پرسش اساسی این است که: جایگاه حقوقی افلاس در نظام حقوقی افغانستان، چگونه است؟ در تحقیق حاضر برآنیم تا ماهیت حقوقی، شرایط، انواع، ضمانت اجراها و اثرهای افلاس تجاری را با تأکید بر نظام حقوقی افغانستان، مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

تبیین مسأله

افلاس به معنای عدم توانایی تاجر و شرکت تجاری در پرداخت دین آنان است. افلاس تجاری در کنار معاملات تجاری یکی از مباحث عمده‌ی حقوق تجارت به شمار می‌رود. این وضعیت نشان‌دهنده‌ای بحران مالی و اقتصادی تاجران و شرکت‌های تجاری قلمداد می‌شود. اثرهای سوء اقتصادی و حقوقی افلاس، دامن‌گیر تاجران، جامعه و دولت است. نظر به اثرهای منفی ناشی از افلاس، ایجاد رژیم حقوقی معیاری و تصویب قوانین مرتبط به آن، امر لازمی به حساب می‌آید. تمامی نظام‌های حقوقی سعی نموده‌اند تا قواعد مرتبط با افلاس را وضع نمایند. با این تفاوت که قواعد مرتبط با افلاس، در برخی از کشورها مخصوص تاجران و در برخی از کشورها مشترک میان تاجران و غیر تاجران، سازمان‌دهی شده است. این که جایگاه حقوقی افلاس تجاری در نظام حقوقی افغانستان، چگونه است؟ مسأله‌ای است که در تحقیق حاضر مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

پرسش‌های تحقیق

۱- پرسش اصلی: جایگاه افلاس در نظام حقوقی افغانستان، چگونه است؟

۲- پرسش‌های فرعی.

- شرایط تحقق افلاس تجاری، در حقوق تجارت افغانستان، چگونه است؟

- افلاس به چند نوع است؟

- ضمانت اجراها و اثرهای حقوقي افلاس، در حقوق تجارت افغانستان، چگونه است؟

اهداف تحقيق

- ۱- تبیین مفهوم افلاس و تفاوت آن با مفاهیم مشابه؛
- ۲- بیان شرایط تحقق افلاس در حقوق تجارت افغانستان؛
- ۳- تشریح انواع افلاس در متون حقوقي افغانستان؛
- ۵- بیان ضمانت اجراهای افلاس در نظام حقوقي افغانستان.

پيشينه‌ی تحقيق

در کتب حقوق تجارت افغانستان به صورت عمومی و پراکنده به افلاس تجارتي پرداخته شده است. به عنوان نمونه، خلیلی و عادل (۱۳۹۸) در کتاب حقوق افلاس، ستانکزی و ناصح (۱۳۹۶) در کتاب حقوق تجارت و فایز محمودی (۱۳۹۶) نیز در کتاب حقوق تجارت، این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند. در برخی از کتاب‌های یادشده به تفاوت‌ها میان افلاس تجارتي و افلاس مدنی در حقوق افغانستان، توجهی صورت نگرفته است. هم‌چنان در برخی از آن‌ها موضوع افلاس از منظر قوانین گذشته، مورد مطالعه قرار گرفته است. هم‌چنان در اثرهای مذکور ابهام‌های در ارتباط به ضمانت اجراهای جزایی افلاس، قابل مشاهده است. بنابراین، لازم پنداشته می‌شود تا مفهوم افلاس در پرتو جدیدترین قوانین افغانستان مورد بررسی قرار گیرد. نظر به نارسایی‌های یادشده، در تحقیق حاضر تلاش شده است تا به استناد متون حقوقي جدید افغانستان، افلاس تجارتي مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

روش تحقيق

اطلاعات این تحقیق با رویکرد کتابخانه‌ای گردآوری شده و با شیوه‌ی توصیفی- تحلیلی پردازش شده است. بدین شرح که نخست، کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با افلاس تجارتي مورد مطالعه قرار گرفته و سپس اطلاعات مورد نیاز، فیش‌نویسی شده است. به همین گونه، قوانین مرتبط با افلاس تجارتي در نظام حقوقي افغانستان نیز مورد غور و بررسی قرار گرفته، احکام مرتبط با موضوع از بطن آن‌ها استخراج شده است. در نهایت، مواد یادشده با رویکرد کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج حاصل از آن در تحقیق حاضر انعکاس یافته است.

اهمیت تحقيق

افلاس یکی از مسایل مهم اقتصادی و حقوقي جامعه است. برای جامعه‌ی تاجران و مؤسسات تجارتي، موضوع مبتلا به قلمداد می‌شود. ضروری پنداشته می‌شود تا قوانین و مقررات حقوقي حاکم بر این مسأله، با رویکرد حقوقي؛ تشریح و تبیین شود. هم‌چنان، افلاس از مفاهیم مشابه به آن از قبیل اعسار و ورشکستگی

بایست تفکیک شود. با اجرای تحقیق در این زمینه، دانش مسلکی دست‌اندرکاران نهادهای عدلی و قضایی، دانش جویان و دانش‌پژوهان رشته‌های حقوق، فقه و قانون تقویت می‌شود. به همین ترتیب، تاجران و مؤسسات تجارتي نسبت به حقوق تکالیف خود، آگاهی حاصل نموده در نهایت نسبت به پروسه‌ی افلاس تجارتي، از بعد حقوقی بیشتر آشنا خواهند شد.

نتایج و یافته‌ها

مفهوم‌شناسی افلاس

الف - تعریف لغوی افلاس. افلاس یا ورشکستگی (Bankruptcy) در لغت به معنای نادار شدن، تنگدستی، زیان دیدن و شکست خوردن در معامله و غیره است. یا بازرگانی که بدهی‌اش بیش از دارایی‌اش باشد (معین: ۱۳۸۹)، واژه‌ی ورشکستگی و افلاس). به بیان دیگر، افلاس در لغت مصدر باب افعال فِلس است که جمع آن فلوس است. به معنای پول خُرد و سکه‌ای که از فلزات کم‌ارزش ساخته شده است. نظر به این مفهوم، افلاس وضعیت مالی‌ای است که تاجر اموال عمده‌ی خود را از دست داده و اندکی پول خُرد برایش باقی مانده... و یا هم پولی خردی در جیبش باقی نمانده باشد و به همین علت توانای ادای دیون حال شده را ندارد (کریمی‌نیا و دیگران: ۱۴۰۰، ۲۴۱). از افلاس در زبان فارسی به مفهوم ورشکستگی نیز یاد شده است. ورشکستگی متشکل از دو کلمه (Bench) به معنای میز کار و (Break) به معنای شکست است. بدین معنا که در گذشته‌ها تاجری که دچار افلاس می‌شد با واکنش تند داینان مواجه می‌شد. به نحوی که داینان تاجرِ مفلس، با چنین تاجری برخورد خشونت‌بار انجام داده، میز و سایر ابزار تجارت‌خانه‌ی او را می‌شکستند (رحمانی، ۱۳۹۳: ۱ و ۲).

ب - تعریف اصطلاحی یا حقوقی افلاس. افلاس از نظر اصطلاحی، به وضعیتی اطلاق می‌شود که ورشکسته از مداخله در تمام اموال و دارایی خود ممنوع می‌شود و اختیارات مالی او به مدیر تصفیه یا قائم‌مقام وی واگذار می‌شود (حسنی، ۱۳۸۹: ۶۰۳). به عبارت دیگر، وضعیتی است که دیون تاجر نسبت به سرمایه‌اش کمتر بوده و تاجر از پرداخت دیون‌اش عاجز است؛ طوری که این وضعیت توسط حکم محکمه نیز محرز شده است (خلیلی و عادل، ۱۳۹۸: ۶-۵). تعریف اصطلاحی افلاس از منظر قوانین افغانستان به شرح ذیل بیان می‌شود. در اصولنامه‌ی افلاس و ورشکست افغانستان، بندش یا وقفه‌ی تاجر یا شرکت تجارتي در پرداخت قروض یا سایر تعهدات نقدی، افلاس تلقی شده است (اصول‌نامه‌ی افلاس...، ماده‌ی ۱). هم‌چنان، در قانون افلاس افغانستان نیز بیشتر بودن دیون تاجر نسبت به ارزش دارایی فعلی یا ناتوانی تاجر و شرکت تجارتي در پرداخت دیون واجب‌الاداء، افلاس عنوان شده است (قانون افلاس، فقره‌ی ۱ ماده‌ی ۳). به همین ترتیب، از منظر قانون مدنی افغانستان؛ امتناع از پرداخت دیون، زیاد بودن دیون نسبت به اموال،

خوف ضياع دارايي يا مخفي نمودن آن‌ها و قيد نمودن دارايي به نام ديگري، افلاس خوانده شده است (قانون مدني، ماده ۸۴۷).

ج - تعريف فقهي افلاس. قابل ياد آوري است که در نزد فقها تفاوتی میان افلاس مدني و تجارتي وجود ندارد. اما از نظر قوانين وضعي، در اکثر نظام‌های حقوقي، افلاس مدني از افلاس تجارتي تفکيک شده است. بنابراین، از منظر فقهي افلاس اعم از افلاس مدني و تجارتي است. فقهای احناف، امتناع از ادای دين با قطع نظر از موسر بودن يا معسر بودن فرد را افلاس می‌دانند. از منظر برخی از فقهای شافعي، بيشر بودن ديون حال نسبت به اموال فرد، افلاس عنوان شده است. از منظر جمهور فقها (به شمول مالکي‌ها، حنبلي‌ها، اماميه و زيديه)، افلاس به روندی اطلاق شده است که دارايي شخص، کفايت پرداخت دين‌اش را نمی‌کند (خليلي و عادل، ۱۳۹۸: ۹).

تفاوت افلاس با مفاهيم مشابه

ورشکستگي، افلاس و اعسار از مفاهيمی‌اند که از نظر ماهوي، شباهت‌های بي شماری با هم دارند. برداشت و بيان نظام‌های حقوقي - فقهي نیز از اين مفاهيم گاهی متفاوت و گاهی مترادف بوده است. اينک به شرح ذيل تفاوت افلاس با مفاهيم مشابه، مطرح می‌شود.

الف - تفاوت افلاس با ورشکستگي. در برخی از کشورها مترادف و در برخی از کشورها متفاوت‌اند. بدین معنا که در برخی از نظام‌های حقوقي، از قبيل نظام حقوقي ايران، ورشکستگي مربوط به تاجران و افلاس مربوط به افراد غير تاجر است. در حقوق افغانستان نیز افلاس تاجران از افلاس افراد غير تاجر تفکيک شده است. افلاس مدني يا غير تجارتي در قانون مدني و افلاس تجارتي در قانون افلاس اين کشور، بازتاب یافته است.

ب - تفاوت افلاس با اعسار. اعسار در لغت به معنای نیازمند شدن، تنگدست شدن و عاجز بودن از ادای دين به واسطه فقر است (معين، ۱۳۸۹: واژه‌ی اعسار و معسر). از نظر اصطلاحی يا حقوقي، اعسار به حالت مديون غير تاجري گفته می‌شود که به علت کمبود دارايي يا در دسترس نبودن آن، قدرت پرداخت بدهي‌ها يا هزینه‌های محاکمه را نداشته باشد (لنگرودی، ۱۳۹۵: ۱۸۱۶). افلاس و اعسار در مفهوم عام هر دو به یک معنا اند. عنصر مشترک‌شان عدم توانایی افراد از ایفای تعهد است و از این لحاظ تفاوتی بین تاجر و غير تاجر نیست. اما در مفهوم خاص، از هم متفاوتند. بدین شرح که ورشکستگي يا افلاس مختص تاجر و اعسار مرتبط با افراد غير تاجر است (رحماني، ۱۳۹۳: ۱۲ و ۱۳). معسر از پرداخت هرگونه دينی عاجز است و به جز اندکی غذا و لباس و مسکن، درآمد روزانه هم ندارد اما مفلس نظر به مالی که دارد می‌تواند برخی از ديون خود را ادا کند (مبلغی و ديگران، ۱۳۹۹: ۱۵۹). از نظر فقهي، برخی از فقها اعسار را به وضعيت فردی اطلاق می‌نمایند که مالک هيچ مالی نیست. يا به وضعيتی خوانده شده است که فرد، علاوه بر نداشتن

مال؛ قدرت کسب مال را نیز ندارد. هم‌چنان به حالت فردی گفته شده است که توانایی اجرای تعهد خود را ندارد. مانند عدم توانایی در پرداخت نفقه‌ی خانواده (خلیلی و عادل، ۱۳۹۸: ۸-۶).

به هر صورت عمده‌ترین تفاوت‌ها میان افلاس و اعسار به ترتیب ذیل ارایه می‌شود:

- ۱) حکم اعسار ویژه‌ی اشخاص غیر تاجر و حکم افلاس (ورشکستگی) مخصوص تاجران است.
- ۲) از نظر تصرف (اعسار) و عدم تصرف (افلاس) در اموال. معسر حق مداخله در اموال خود را دارد اما مفلس یا تاجر ورشکسته از چنین حقی محروم است.
- ۳) از نظر دخالت مقام‌های دولتی و عدم دخالت آنان. پروسه‌ی افلاس توسط مقام‌های اداری و قضایی سازمان‌دهی می‌شود. در حالی که در مورد اعسار، چنین دخالتی وجود ندارد.
- ۴) دایره‌ی شمول حکم افلاس، گسترده و دایره‌ی شمول در اعسار محدود است. بدین شرح که حکم افلاس نسبت به تمام طلب کاران تاجر مؤثر است اما حکم اعسار فقط شامل دینی است که در دعوا حضور دارد.
- ۵) از نظر تبدیل شدن دیون مؤجل به معجل و عکس آن. در افلاس دیون مؤجل به دیون معجل تبدیل می‌شود. حال آن که در مورد اعسار، چنین وضعیتی وجود ندارد.
- ۶) از نظر از دست دادن اعتبار و محرومیت از برخی حقوق اجتماعی. تاجر مفلس بعد از اثبات افلاس از برخی حقوق اجتماعی از قبیل عضویت در انجمن تاجران و غیره محروم است. در صورتی که در اعسار چنین محرومیتی وجود ندارد.
- ۷) از نظر تصفیه‌ی اموال تاجر مفلس. در افلاس، اموال تاجر مفلس توسط مأموران دولتی، تصفیه می‌شود. در اعسار مفهومی تحت عنوان تصفیه‌ی اموال، وجود ندارد.
- ۸) از نظر تقسیم‌بندی افلاس به انواع و اقسام مختلف. بدین شرح که افلاس به انواعی از قبیل افلاس عادی، افلاس به تقصیر و افلاس به تقلب دسته‌بندی شده است. چنین تقسیم‌بندی در مورد اعسار مطرح نیست (فایز محمودی، ۱۳۹۶: ۱۶۳).

سیر تاریخی افلاس

نخست به سیر تاریخی افلاس در جهان و سپس به سیر تاریخی آن در افغانستان، به شرح ذیل پرداخته می‌شود.

الف - سیر تاریخی افلاس در جهان. سیر تاریخی افلاس در جهان، در دوره‌های مختلف، دارای ماهیت‌های مختلفی بوده است. این دوره‌ها به ترتیب ذیل مطرح می‌شود.

۱) **دوره‌ی روم قدیم:** تاجر مفلس در این دوره، هیچ‌گونه مصونیت جانی و مالی نداشته است. به نحوی که مورد لت‌وکوب داینان قرار گرفته و اموال او بین آنان تقسیم می‌شده است. قواعد مرتبط با افلاس در این دوره به شکل ابتدای بوده و تاجران مفلس از حقوق مدنی و اجتماعی محروم بودند. در دوره‌ی یادشده برای شناسایی تاجران مفلس، لباس‌های ویژه‌ای نیز طراحی شده بود. به بردگی گرفتن تاجر مفلس، خرید و فروش، اجاره دادن، زندانی کردن، کشتن، فروش فرزندان، خروج اموال از تصرف تاجر و بازداشت خودسرانه‌ی آن از ویژگی‌های اساسی افلاس در این دوره عنوان شده است (ستانکزی، ۱۳۹۶: ۱۴۵).

۲) **دوره‌ی رشد تمدن بشری:** در این دوره؛ از تعرض به جان تاجر مفلس تاجای کاسته شده و تعرض به مال تاجر، مورد توجه بوده است. از ویژگی‌های اساسی این دوره وضع قواعد به‌روزر، تعرض بر اموال مدیون، خلع اموال تاجر و سپردن آن به مراجع دولتی، فروش اموال تاجر و تقسیم آن میان داینان قلمداد شده است.

۳) **دوره‌ی قرون وسطی:** در این دوره، شرکت‌های تجارتي گسترش یافته و قواعد مرتبط با تجارت و افلاس تجارتي، نشأت گرفته از حقوق روم بوده است. در دوره‌ی مزبور، قواعد مرتبط با قرارداد ارفاقی جهت مدارا با تاجر مدیون، سازمان‌دهی شده است. هم‌چنان قواعد تجارت دریایی و مقررات حقوقي ورشکستگی یا افلاس تجارتي نیز وضع و تصویب شده است.

۴) **دوره‌ی وضع قوانین:** در این دوره، نظام‌های حقوقي سعی ورزیدند تا قواعد مدون و منظمی را جهت مدیریت روند افلاس تجارتي وضع نمایند. از قبیل وضع قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه مرتبط با افلاس و وضع قواعد مرتبط با افلاس در انگلستان (۱۷۰۵). بر بنیاد قوانین مزبور در صورت همکاری تاجر مفلس با محکمه، مقداری از دیون آن کاسته می‌شد. به مرور زمان در سایر کشورها و نظام‌های حقوقي جهان نیز قوانین ویژه‌ای در این زمینه وضع شد (طاهری و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۱۲۷-۱۲۲۶).

ب- سیر تاریخی افلاس در نظام حقوقي افغانستان. از موقعی که افغانستان دارای نظام حقوقي مدون شده و مؤسسات تجاری داخلی و خارجی براساس اصول‌نامه‌ی تجارت این کشور شکل گرفته است، وجود قواعد افلاس تجاری نیز به شکل ابتدای آن وجود داشته است. «اصول‌نامه‌ی افلاس و ورشکست» نخستین سند تقنینی‌ای است که در سال (۱۳۲۱) برای سازمان‌دهی امور افلاس در افغانستان تصویب شده است. اصول‌نامه‌ی مذکور مشتمل بر ۱۰۱ ماده بوده و کلیات، تعاریف، انواع، ضمانت‌اجراها، قرارداد قسطنطینی، اعاده‌ی اعتبار و سایر موارد مرتبط با افلاس تجارتي را بیان نموده است. قانون مدنی افغانستان دومین سند تقنینی‌ای است که در سال ۱۳۵۵ وضع شده است. مواد ۸۵۸-۸۴۷ تحت عنوان «حجر مدیون مفلس» به امور مرتبط با افلاس اختصاص یافته است (ستانکزی، ۱۳۹۶: ۱۴۸). قابل یادآوری است که قانون مدنی قواعد مرتبط با افلاس افراد غیر تاجر را مورد مطالعه قرار داده است. قواعد مرتبط با افلاس تاجران در

اصول‌نامه‌ی افلاس و ورشکست و سایر اسناد تقنینی تجارتی مطرح شده است. در نهایت، قانون افلاس مصوب ۱۳۹۶ از جدیدترین قانون مرتبط با افلاس تجارتی قلمداد می‌شود. در قانون یادشده ضمن تعریف افلاس، شرایط، ضمانت‌اجراها، قرارداد قسطی و سایر موضوعات مرتبط با افلاس تجارتی به صورت جامع پرداخته شده است (خلیلی و عادل، ۱۳۹۸: ۲۰-۱۶).

اهمیت تجارتی و اقتصادی قواعد افلاس

ایجاد قواعد و مقررات مرتبط با افلاس تجارتی از زوایای مختلفی دارای اهمیت است. اهمیت اقتصادی قواعد یادشده به شرح ذیل ارایه می‌شود:

الف - فراهم شدن زمینه‌ی پرداخت قانونی دیون. تاجری که مفلس شده است و توانایی پرداخت دیون خود را ندارد، ممکن است تقصیری نیز در ایجاد این بحران مالی نداشته باشد. در صورت نبود قواعد افلاس، داینان ممکن است به اموال و دارایی شخصی و تجارتی تاجران مفلس تعرض نموده، پروسه‌ی مذکور را مختل نمایند. در صورت مراجعه به قوانین افلاس، دیون داینان به صورت عادلانه توزیع شده و حرمت معنوی و جانی تاجر نیز رعایت می‌شود.

ب - استمرار فعالیت‌های تجارتی و اقتصادی. در اغلب موارد بر بنیاد ارفاق و همکاری‌های که میان تاجر مفلس و داینان آن صورت می‌گیرد، امکان تداوم فعالیت‌های تجارتی تاجران وجود دارد. این روند در قالب قرارداد ارفاقی یا قسطی میان تاجر مفلس و داینان، تنظیم می‌شود. قرارداد ارفاقی فرصت دوباره‌ای است برای تاجر مفلس که امور تجارتی خود را مجدداً سروسامان دهد (خلیلی و عادل، ۱۳۹۸: ۱۴).

ج - خودداری از تنبیه و مجازات خودسرانه. براساس قواعد افلاس تجارتی در نهایت تلاش می‌شود تا به تاجر مفلس امکان احیای مجدد فعالیت‌های تجارتی از طریق مدارا و همکاری داینان فراهم شود. هم‌چنان در صورت عدم ارفاق داینان با تاجر مفلس، بر بنیاد قواعد افلاس از هرگونه تعرض جانی و مالی خودسرانه‌ی تاجر از ناحیه‌ی داینان جلوگیری به عمل آمده، روند افلاس تاجر از طریق مقررات حقوقی، پایان می‌پذیرد (رحمانی، ۱۳۹۳: ۴).

د - در اختیار قرار دادن حداقل امکانات مادی برای تداوم حیات شخصی و خانودگی تاجر. وجود قواعد افلاس این امکان را مهیا ساخته است تا حداقل امکانات برای تداوم زندگی فردی و خانوادگی تاجر در نظر گرفته شود. بنابراین، مواد خوراکی، وسایط نقلیه‌ی فامیلی و مسکن تاجر مفلس از ضروریات زندگی خانوادگی تاجر قلمداد شده و از فروش آنان به منظور پرداخت دین داینان، براساس قواعد افلاس خودداری صورت می‌گیرد (رحمانی، ۱۳۹۳: ۵).

۵- **حمایت از بازار، طلب کاران (اشخاص حقیقی و حقوقی): بانک‌ها، عرضه‌کنندگان، توزیع‌کنندگان، مصرف‌کنندگان) و جامعه.** شرکت‌های تجارتي دارای مناسبات گسترده‌ی مالی و تجارتي‌اند. در صورت افلاس ممکن است حقوق افراد مختلفی پامال شود. قواعد افلاس تجارتي سبب می‌شود هر گروهی بتواند حق خود را به دست آورد (خلیلی و عادل، ۱۳۹۸: ۱۵).

۶- **حمایت از کارگران شرکت‌ها.** کارگران به عنوان قشر زحمت‌کش جامعه باید از حقوق و مزایای قانونی خود مستفید شوند. در صورت افلاس شرکت‌های تجارتي، احتمال ضایع شدن حقوق کارگران وجود دارد. ایجاد قواعد افلاس سبب تضمین حقوق کارگران شرکت‌های تجارتي می‌شود (خلیلی و عادل، ۱۳۹۸: ۱۵).

۷- **حمایت از تاجر در قالب انعقاد قرارداد ارفاقی و اعاده‌ی اعتبار در جهت احیای فعالیت‌های تجارتي.** قسمی که در مطالب گذشته نیز بیان شد، در نظام حقوقي افلاس تجارتي، سعی می‌شود تا فرصت مجددی در قالب قرارداد ارفاقی از ناحیه داینان به تاجر مفلس جهت احیای مجدد فعالیت‌های تجارتي داده شود. این فرصت زمینه‌ی تداوم حیات تجارتي تاجران و مؤسسات تجارتي را مساعد می‌سازد (خلیلی و عادل، ۱۳۹۸: ۱۴ و ۱۵).

شرایط اعلام افلاس

الف - شرایط محتوایی. منظور از این شرایط، شرایط مرتبط با شخص مفلس و شرایط اعلام افلاس است. بدین شرح که مفلس شامل چه کسی بوده و تحت چه شرایطی می‌توان آن را ورشکسته نامید (رحمانی، ۱۳۹۳: ۱۷). شرایط ماهوی افلاس به ترتیب ذیل بیان می‌شود:

۱) تاجر بودن شخص: یکی از شرایط اساسی اعلام افلاس، تاجر بودن مفلس است. نخستین شرط اعلام افلاس همان است که در بند ۱ ماده‌ی ۳ قانون افلاس افغانستان بازتاب یافته است. البته در برخی از کشورها (انگلیس و امریکا) تاجر بودن و تاجر نبودن فرد، تأثیری ندارد. در این کشورها افلاس مدنی و تجارتي از همدیگر تفکیک نشده است. اما در کشورهای افغانستان، ایران و برخی از نظام‌های حقوقي دیگر، میان افلاس مدنی و تجارتي تفکیک صورت گرفته است. بدین‌سان، یکی از شرایط ماهوی افلاس در این کشورها، تاجر بودن مفلس است.

۲) توقف از تأدیبه‌ی دیون: در بند ۲ ماده‌ی ۳ قانون افلاس افغانستان این شرط مطرح شده است. اما در مورد شرایط تحقق آن، تصریحی داده نشده است. منظور از توقف دین، عدم توانایی موقتی یا دائمی در پرداخت دین است. کمتر بودن دارایی یا وجوه تاجر نسبت به دیون شرط نیست. فقط همین که وجوهی در

دسترس تاجر نباشد یا محصولاتش به فروش نرسیده باشد، بازهم توقف از تأدیه‌ی دین تحقق می‌یابد (حسنی، ۱۳۸۹: ۶۰۴). گذشته از آن، دین باید دارای شرایط ذیل باشد:

۱- مسلم بودن دین: بدین معنا که اختلافی در پذیرش و تحقق دین میان تاجر و داین وجود نداشته و دین مورد نظر از طرف تاجر، قابل انکار نیست. اگر تاجر ادعا کند که قبلاً پرداخت شده است بایست مورد بررسی قرار گرفته و سپس حکم افلاس صادر شود. مفهوم دیگر مسلم بودن دین این است که مدیون بودن تاجر در محکمه ثابت شده باشد.

۲- قابلیت مطالبه‌ی قانونی دین: بدین مفهوم که مبنای دین مورد نظر معامله‌ی نامشروع ناشی از قاچاق انسان، مواد مخدر، معاملات ربوی و غیره نباشد. در چنین مواردی هرچند توقف در پرداخت دین هم صورت گرفته باشد، حکم افلاس صادر نمی‌شود... (رحمانی، ۱۳۹۳: ۳۲).

۳- مُنَجَز و حال بودن دین: بدین توضیح که دین مورد نظر، معلق و مؤجل نباشد. چون دین معلق تا زمان تحقق معلق علیه و مؤجل تا زمان رسیدن اجل، قابل مطالبه نیست... یعنی موقع پرداخت یا ادای دین، فرا رسیده باشد، در غیر آن سبب احراز افلاس نمی‌شود (رحمانی، ۱۳۹۳: ۳۲).

۴- ماهیت پولی دین: عدم توانایی پرداخت دین، شامل تعهدات نقدی تاجر می‌شود. مانند؛ دین، حق کارگران، پول آب، برق، اجاره‌ی تجارت‌خانه و غیره. تعهدات غیر نقدی از قبیل تعهد به انجام کار، تحویل کالا و غیره را شامل نمی‌شود. این قید از آن جهت مطرح شده است که در متون قوانین افلاس از واژه‌ی دیون، قروض و سایر تعهدات نقدی استفاده شده است. اما دیدگاه حقوق‌دانان در نهایت چنین است که: اگر تاجر تعهدات غیر نقدی را هم نتواند انجام دهد، می‌توان دعوی افلاس را علیه او اقامه کرد، چون سبب ایراد ضرر به داین شده است.

۵- منشأ تجارتي داشتن دین: دین باید ناشی از معاملات تجارتي باشد. افلاس تجارتي به دیون برخاسته از معاملات مدنی تعلق ندارد. هم‌چنان دیون دارای منشأ دولتی از قبیل مالیات، مهر همسر و سایر مطالبات غیر تجارتي را نیز شامل نمی‌شود. البته بعد از صدور حکم افلاس، این افراد نیز جزو داینان قلمداد می‌شوند. به همین ترتیب، دین مورد نظر بایست از ناحیه تاجر، تجارتي قلمداد شود نه از ناحیه داین، مانند فروش محصولات زراعتی به تاجر. البته از آنجا که در عمل، تشکیک میان دین تجارتي و مدنی دشوار است، برخی از حقوق‌دانان شرط فوق را برای افلاس لازم ندانسته و دین مدنی و تجارتي را درکل شامل افلاس می‌دانند. در نظام حقوقی افغانستان نیز به منشأ دین توجه نشده، تجارتي بودن و تجارتي نبون آن در تحقق افلاس نقشی ندارد (رحمانی، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۳).

۳) بیشتر بودن ديون نسبت به دارايی تاجر: در ماده‌ی ۳ قانون افلاس به این شرط اشاره شده است. بدین معنا که تاجر به علت کافی نبودن دارايی‌اش از پرداخت دین، ناتوان مانده است. در چنین مواردی خود تاجر با اراده و حسن نیت و یا یک یا چند نفر از داینان بدون اراده‌ی تاجر می‌توانند تقاضای درخواست افلاس را به محکمه ارایه نمایند (خلیلی و عادل، ۱۳۹۸: ۳۰).

ب- شرایط شکلی. مقصود از شرایط شکلی افلاس، مجموعه مقررات، روش‌ها و شکلیاتی است که طبق آن، افلاس تاجر اعلام می‌شود. از قبیل چگونگی درخواست افلاس، شناسایی محاکم ذی‌صلاح، نحوه‌ی رسیدگی به قضایای افلاس و غیره (رحمانی، ۱۳۹۳: ۱۷). به بیان دیگر، مقصود از شرایط شکلی این است که زمانی افلاس تاجر احراز می‌شود که افراد متقاضی صدور حکم افلاس، به محکمه‌ی با صلاحیت (صلاحیت محلی و موضوعی) مراجعه نموده و محکمه اقدام به صدور حکم افلاس نموده باشد (خلیلی و عادل، ۱۳۹۸: ۳۷). شرایط شکلی افلاس شامل موارد ذیل است:

۱) شناسایی محکمه‌ی باصلاحیت: شناسایی محکمه‌ی با صلاحیت یکی از شرایط شکلی در تمامی قضایای حقوقی به شمار می‌رود. این صلاحیت‌ها طبق قوانین اصول محاکماتی شامل صلاحیت‌های حوزه-یی یا محلی و صلاحیت موضوعی است. جهت رسیدگی به قضایای مرتبط با افلاس تجارتي نیز شناسایی محاکم ذی‌صلاح از این منظر، ضروری است.

۲) درخواست کنندگان حکم افلاس: تاجران و مدیران شرکت‌های تجارتي و هم‌چنان یک یا چند تن از داینان می‌توانند اقدام به درخواست افلاس نمایند (ماده‌ی ۴ قانون افلاس). به همین گونه در برخی از نظام‌های حقوقی، سارنوال نیز از بابت دفاع از حقوق عمومی، می‌تواند اقدام به درخواست افلاس نماید. در حقوق افغانستان در مورد درخواست حکم افلاس توسط سارنوال، چیزی گفته نشده است (خلیلی و عادل، ۱۳۹۸: ۴۲).

۳) محتویات حکم افلاس: درج تاریخ توقف یا عدم توانای پرداخت دین، نصب عضو ناظر و متولی امور تصفیه‌ی افلاس، دستور مهر اموال و صدور قرار توقیف تاجر از محتویات حکم افلاس به شمار می‌رود (رحمانی، ۱۳۹۳: ۴۵).

انواع افلاس و ضمانت‌اجراهای آن

افلاس تجارتي به انواع مختلفی تقسیم‌بندی شده است. مبنای این تقسیم‌بندی، علل و عوامل بروز افلاس است. افلاس ممکن است در اثر عوامل ارادی از قبیل تخلف، تقصیر و تقلب، حادث شود. هم‌چنان در اثر عوامل غیرارادی از قبیل حوادث طبیعی و غیر مترقبه نیز افلاس تجارتي ممکن است حادث شود. از نظر حقوقی نیز آثار برخاسته از افلاس، متفاوت است. هرگاه افلاس ناشی از عوامل ارادی باشد برای تاجر

مفلس، از نظر قوانین جزایی مجازاتی در نظر گرفته شده است. اما در افلاس غیر ارادی، با تاجر مفلس، ارفاق و مدارا صورت می‌گیرد (خلیلی و عادل، ۱۳۹۸: ۴۷ و ۴۸). قابل یادآوری است که در قانون افلاس افغانستان در مورد انواع افلاس جزئیاتی داده نشده است بل که در ماده‌ی ۵۳ قانون مزبور، مجازات مرتکبین جرایم افلاس به گد جزای افغانستان ارجاع داده شده است. به هر صورت، انواع افلاس به ترتیب زیر مطرح می‌شود:

الف - افلاس عادی. به افلاس غیر ارادی ای گفته می‌شود که بدون تقصیر و تقلب تاجر، ایجاد می‌شود. به بیان دیگر، با وجود سعی و تلاش مستمر تاجر در اجرای مدیریت درست فعالیت‌های تجارتي، بازم چنين وضعیتی به وقوع می‌پیوندد. در این افلاس، تاجر در اثر عوامل خارجی و حوادث طبیعی یا غیر مترقبه عاجز از پرداخت بدهی می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۳: ۱۱۶). افلاس تاجر از طریق آتش‌سوزی، اختلاس، سیل، زلزله، توفان، غرق شدن اموال و سایر موارد مشابه از مصادیق این نوع افلاس به شمار می‌رود که در اصول‌نامه‌ی افلاس افغانستان نیز مطرح شده است.

افلاس عادی دارای ضمانت‌اجرای جزایی نیست اما از نظر مدنی دارای ضمانت اجرای حقوقی از قبیل پرداخت خسارت و تصفیه‌ی دارایی تاجر را به دنبال خواهد داشت. ناگفته نباید گذاشت که در این نوع افلاس، نظام‌های حقوقی و داینان معمولاً در تلاشند با چنین تاجری ارفاق و همکاری نمایند تا مجدداً فعالیت‌های تجارتي خود را در صورت تمایل، از سر گیرد (حسینی: ۱۳۸۹، ۶۲۷).

ب - افلاس به تقصیر. به افلاسی گفته می‌شود که در اثر بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی تاجر، ایجاد می‌شود (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۲۸). افراط در اداره‌ی امور تجارتي، خانودگی و شخصی تاجر و هم‌چنان ارتکاب تقصیرات مندرج قانون، بدون سوء نیت سبب بروز چنین افلاسی می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۳: ۱۱۶). براساس گد جزای افغانستان افلاس به تقصیر به دودسته تقسیم شده است. افلاس با تقصیر بزرگ و افلاس عادی یا بدون قید تقصیر بزرگ. هرکدام از این دو نوع افلاس، دارای حالت‌های منحصر به خود هستند که به ترتیب ذیل مطرح می‌شوند.

(۱) مفلس مقصر بزرگ: طبق ماده‌ی ۷۷۰ گد جزا، مفلس مقصر بزرگ به مفلسی گفته می‌شود که با صدور حکم قطعی محکمه و به سبب تقصیر بزرگ باعث خسارت داینان شده باشد. طبق فقره‌ی ۲ ماده‌ی ۷۷۰ کد جزا، افلاس با تقصیر بزرگ، در حالت‌های ذیل، ایجاد می‌شود:

۱- ازدیاد مصارف شخصی و خانوادگی تاجر نسبت به عواید تجارتي؛

۲- صرف مبالغ هنگفت در قماربازی، تکت‌های بخت‌آزمایی، شرط‌بندی و سایر موارد مشابه؛

۳- فروش مال به قیمت نازلتر، قرض گرفتن مبالغ زیاد یا صدور اوراق بهادار و سایر وسایل مشابه طوری که سبب اضرار داینان شود، با هدف تأخیر در افلاس؛

۴- تأدیهی دین یکی از داینان بعد از توقف، با هدف اضرار سایر داینان یا رسیدن به مصالحه؛

۵- مصالحه‌ی متقلبانه با داینان.

۲) مفلس مقصر عادی. قابل یادآوری است که در متن کد جزای افغانستان در ارتباط با این افلاس، کلمه‌ی «عادی» ذکر نشده و صرف از اصطلاح «مفلس مقصر» استفاده شده است. اما از آنجا که در مقابل این نوع افلاس از مفلس مقصر بزرگ استفاده شده است، به نظر می‌رسد مفهوم مخالف آن، مفلس مقصر عادی خواهد بود. اگر چنین قیدی ذکر نشود این افلاس با افلاس به تقصیر که یکی از انواع اصلی افلاس است، خلط می‌شود. به هر صورت، طبق ماده‌ی ۷۷۱ کد جزا، افلاس به تقصیر عادی به افلاسی گفته می‌شود که با صدور حکم قطعی محکمه، ایجاد می‌شود. این افلاس با بروز حالت‌های خاص ذیل، محقق می‌شود.

۱- عدم تهیهی دفاتر تجارتي الزامی و تنظیم نادرست آن‌ها؛

۲- تقدیم نکردن ورقه‌ی بیلانسی به مرجع مربوط در موعد معین؛

۳- تقدیم نکردن درست اظهارات قانونی بعد از توقف؛

۴- عدم حضور بدون عذر موجه به محکمه یا خودداری از اظهارات مطالبه‌شده و یا آشکار شدن عدم صحت اظهارات ارایه‌شده؛

۵- انعقاد قرارداد بلاعوض به نفع دیگری که مناسب وضع مالی تاجر یا مؤسسه‌ی تجاری نباشد.

پرداخت خسارت و تصفیه‌ی دارایی تاجر از ضمانت اجراهای حقوقی‌ای است که در مورد این دو نوع افلاس، مدنظر قرار داده شده است. اما در خصوص ضمانت اجرای جزایی آن‌ها در کد جزای افغانستان اندکی ابهام به نظر می‌رسد. بدین شرح که برای مفلس مقصر بزرگ، حبس متوسط بیش از سه سال در نظر گرفته شده است (کُد جزا: ۷۷۲) اما برای مفلس مقصر بدون قید تقصیر بزرگ (مفلس مقصر) حبس متوسط بدون قید بیش از سه سال.

ج - افلاس به تقلب. به افلاسی گفته می‌شود که در اثر اعمال متقلبانه‌ی توأم با سوء نیت تاجر، ایجاد می‌شود (حسنی، ۱۳۸۹: ۶۳۰). اعمال متقلبانه‌ی مرتبط با این نوع افلاس در قانون تصریح شده و مفلس با قصد مجرمانه بودن، مرتکب آن‌ها می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۳: ۱۲۳). طبق کد جزای افغانستان مصادیق این افلاس شامل موارد ذیل است:

۱- پنهان نمودن، تلف نمودن، تغییر وارد نمودن تمام یا برخی از دفترهای تجارتي به صورت عمدی؛

۲- پنهان نمودن قسمتی از اموال به قصد اضرار به داینان؛

۳- اقرار یا اعتراف کتبی یا شفاهی به دین صوری؛

۴- امتناع با سوء نیت از تقدیم اوراق و توضیحات به مراجع ذیصلاح با آگاهی از آثار آن (اوراقی که دلالت بر میزان سود و زیان تاجر دارد). (کُد جزا: ۷۶۸).

برای افلاس به تقلب نیز در کد جزای افغانستان ضمانت اجرا پیش‌بینی شده است. پرداخت خسارت و تصفیه‌ی دارایی تاجر از ضمانت اجراهای حقوقی این نوع افلاس به شمار می‌رود. به همین ترتیب، ضمانت اجراهای جزایی این نوع افلاس، حبس متوسط قلمداد شده است (کُد جزا: ۷۶۹).

طوری که مطرح شد میان مجازات مفلس متقلب با مفلس مقصر بزرگ، توازنی وجود ندارد. بدین شرح مجازات تاجر متقلب در نظام‌های حقوقی، بیشتر از مجازات مفلس مقصر است. در حالی که در کد جزای افغانستان این تعادل مدنظر گرفته نشده است. به نحوی که برای مفلس متقلب، حبس متوسط و برای مفلس مقصر بزرگ حبس متوسط با قید بیش از سه سال، مجازات تعیین شده است. هم‌چنان، ضمانت‌اجراهای جزایی افلاس در شرکت‌های تجارتي به نحوی سازمان‌دهی شده است که (فقره‌ی دوم ماده‌ی ۷۷۳ کد جزا)، متصدیان آن‌ها به حبس متوسط محکوم می‌شوند. هم‌چنان، اشخاص همکار با مفلس اعم از اصول و فروع و سایر افراد به حبس متوسط تا دوسال یا جزای نقدی از ۶۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ افغانی محکوم می‌شود (کُد جزا: ۷۷۴ و ۷۷۵).

آثار حکم افلاس

آثار حکم افلاس به ترتیب ذیل مطرح می‌شود:

الف- ممنوعیت تاجر مفلس از مداخله در اموال؛

ب- ممنوعیت مداخله در دعاوی؛

ج- حال شدن دیون مؤجل؛

د- فسخ یا بطلان معاملات؛

ه- محرومیت از برخی حقوق اجتماعی (محرومیت از عضویت در شوراها و انجمن‌ها، وکالت دفاع، هیأت-مدیره‌ی شرکت و غیره)؛

و- استرداد اسناد و اموال تجارتي؛

ز- تصفیه‌ی اموال و دارایی تاجر (حسنی، ۱۳۸۹: ۶۱۶).

نتيجه‌گيري

از آن‌چه مطرح شد چنين نتيجه گرفته مي‌شود که در قانون افلاس افغانستان، ضمن تعريف افلاس تجارتي، شرايط شکلي و ماهوي آن نيز بيان شده است. اما راجع به انواع آن، قانون مزبور ساکت بوده و کد جزاي افغانستان افلاس را به انواعي از قبيل افلاس عادي، افلاس به تقصير بزرگ، افلاس به تقصير و افلاس به تقلب تقسيم‌بندي نموده است. براي افلاس عادي، صرف ضمانت‌اجراي حقوقي پيش‌بيني شده است اما براي افلاس به تقصير و به تقلب، علاوه بر ضمانت‌اجراي حقوقي، ضمانت‌اجراهاي جزايي از قبيل حبس و جريمي نقدي نيز در نظر گرفته شده است. اين ضمانت‌اجراها متوجه تاجران، متصدیان شرکت‌هاي تجارتي و ساير افراي است که در بروز افلاس به نحوي نقش و دخالت دارند. در اثر صدور حکم افلاس، تاجر از مداخله در اموال، دعاوي و ساير فعاليت‌هاي تجارتي خود ممنوع مي‌شود. در نهايت متولي يا مدير تصفيه، اموال و دارايي تاجر را تصفيه نموده، مطالبات ديانان را در پرتو قانون افلاس پرداخت مي‌نمايد. هرچند قانون افلاس افغانستان، قانوني ست تازه و به‌روز اما برخي از نارساي‌ها و ابهام‌هاي مرتبط با افلاس در آن به چشم مي‌خورد.

پيشنهادها

جهت برطرف نمودن نواقص قانون افلاس و کُد جزا در ارتباط به مطالب مرتبط با افلاس تجارتي، پيش -
 ندهاي اصلاحي ذيل، خدمت دست‌اندرکاران امور، پيش کش مي‌شود:

الف- نام قانون افلاس به نام «قانون ورشکستگي» تبديل شود تا از خلط آن، با افلاس مدني جلوگيري شود؛

ب- در کد جزا در ارتباط تفاوت‌ها ميان مفلس مقصر بزرگ با مفلس مقصر، توضيحات روشنتري داده شود؛

ج- در مجازات افلاس نيز نظر به انواع افلاس، توازن خاصي در نظر گرفته نشده است. اين مسأله مبناي تقسيم بندي افلاس به انواع مختلف را زير سؤال مي‌برد. در کد جزا و قانون افلاس اين مسأله بايست مورد بازنگري قرار گيرد.

منابع

- انصاري، مسعود و طاهري، محمدعلي. (۱۳۸۸). دانشنامه‌ي حقوق خصوصي. تهران: جنگل
- جعفري لنگرودي، محمد جعفر. (۱۳۹۵). مبسوط در ترمينولوژي حقوق. تهران: گنج دانش
- حسني، حسن. (۱۳۸۹). حقوق تجارت. تهران: ميزان
- خليلي، آصفه و عادل، غلام‌شاه. (۱۳۹۸). حقوق افلاس. ج ۱. تهران: ميزان

رحمانی، عطاءالله. (۱۳۹۳). حقوق ورشکستگی. تهران: جنگل

ستانکزی، نصرالله و ناصح، ولی محمد. (۱۳۹۶). حقوق تجارت. کابل: سعید

عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ عمید. تهران: بهزاد

فایز محمودی، میراحمد. (۱۳۹۶). حقوق تجارت. کابل: حامد رسالت

کریمی نیا، محمد مهدی و دیگران. (۱۴۰۰). رسیدگی به دعوای ورشکستگی فصل نامه‌ی مطالعات و

تحقیقات در علوم رفتاری. سال سوم. شماره‌ی ششم

مبلغی، احمد و دیگران. (۱۳۹۹). شناسایی مفهوم اعسار و افلاس و تأثیر آن در تفسیر قانون. فصل نامه‌ی

علمی - تحقیقی جستارهای فقهی و اصولی. سال ششم. شماره هجدهم.

وزارت عدلیه. (۱۳۲۱). اصول نامه‌ی افلاس و ورشکست. کابل: وزارت عدلیه

وزارت عدلیه. (۱۳۵۵). قانون مدنی. کابل: وزارت عدلیه

وزارت عدلیه. (۱۳۹۶). قانون افلاس. کابل: وزارت عدلیه

وزارت عدلیه. (۱۳۹۶). کد جزا. کابل: وزارت عدلی

